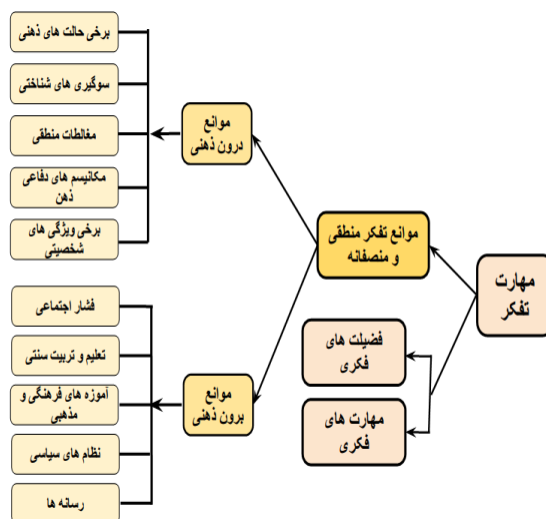


Extrinsic Barriers to Fair-minded Thinking 1

موانع برون ذهنی تفکر منصفانه ۱

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (**Critical Thinking**) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.



تفکر منطقی و منصفانه با موانع برون ذهنی نیز مواجه می شود. فشار اجتماعی اطرافیان، نظام های آموزشی سنتی، برخی آموزه های فرهنگی و مذهبی و گونه ای از نظام های سیاسی و رسانه ها از جمله مهمترین این موانع هستند.

اولین مانع برون ذهنی برای تفکر و اندیشه ورزی ممکن است خانواده و نزدیکان انسان باشند. انسان متفکر گاهی تحت فشار اقوام و آشنایان خود قرار می گیرد تا مثل آنها بیندیشد. والدین معمولاً فرزندان مطیع و حرف شنو را به کودکان پرسشگر و دلیل طلب ترجیح می دهند. خود بنیاد و مستقل بودن در تفکر معمولاً به مذاق اطرافیان خوش نمی آید. نقادانه اندیشیدن گاهی مستلزم این است که باورها و رسوم رایج جامعه خود را به چالش بکشیم. این رویکرد برای کسانی که با تفکر عادت و مطابق با آموزه های فرهنگی جامعه خود زندگی می کنند، خوشایند نیست و سبب رنجش خاطر برخی دوستان و آشنایان می شود. اقوام و آشنایان به انسان متفکر به شکل یک انسان منحرف و فریب خورده یاد می کنند و سعی می کنند با دلسوزی یا تهدید او را به همنوایی و هم‌رنگ شدن با جماعت ترغیب کنند. باروخ اسپینوزا (Spinoza) فیلسوف نامدار قرن هفدهم میلادی گرفتار اینگونه تنگ نظری ها شد و به همین دلیل از جامعه یهود طرد شد.

یکی دیگر از موانع برون ذهنی، سیستم های آموزشی هستند که عاری از نقادانه اندیشیدن هستند. مطالعات نشان داده که کنجکاوی کودکان بعد از حضور در دبستان تا حد قابل توجهی کاهش پیدا می کند.

در سیستم های تعلیم و تربیت سنتی افراد به حفظ مطالب درسی تشویق می شوند و تفکر و تامل درباره آنچه یاد می گیرند اهمیت چندانی ندارد. در اینگونه نظام های آموزشی یادگیری عمیق صورت نمی گیرد چون مطالب درسی با تفکر و تجزیه تحلیل نمی شوند و صرفاً به حافظه سپرده می شوند. در آموزش سنتی به دانشجو القا می شود که آنچه استاد میگوید یا در کتاب ها نوشته شده است را باید در بست بپذیرند. در حالیکه دانشجو باید بیاموزد چگونه مراجع را ارزشیابی و نقد کند. مراجع و نظریه پردازان با هم گاهی اختلاف نظر دارند، باید بتوان با نگاه نقادانه این دیدگاههای مختلف را مورد داوری قرار داد.

فکر و اندیشه افراد جامعه به وسیله فرهنگ و محیط شکل می گیرد. به بیانی دیگر، مغز انسان به وسیله فرهنگی که در آن پرورش پیدا می کند برنامه نویسی می شود. به این پدیده شرطی شدن فرهنگی (cultural conditioning) نیز می گویند. در هر جامعه و فرهنگی باورهای خرافی و افکار پارانرمال وجود دارد که از طریق انتقال فرهنگی به نسلهای بعد منتقل می شوند.

مشکلات فکری و فرهنگی در جامعه ایران یعنی داشتن باورها و افکاری که در خلاف جهت عقلانیت و تفکر نقادانه است:

- تصمیم گیری بر اساس خواب هایی که می بینند. کتاب تعبیر خواب جزو پرفروش ترین کتاب هاست.

- اعتقاد به قسمت و تقدیر که به همراه خود رخوت و سستی و جدی نگرفتن زندگی را می آورد.
- شخص پرستی (دیکتاتور پروری) و مرده پرستی
- بلایای طبیعی نظیر زلزله و سیل را عذاب الهی می دانند.
- مراجعه به حکیم باشی ها و طب سنتی
- اهل استخاره و فال گرفتن هستند
- به طالع بینی و کف بینی و نظایر اینها علاقه نشان میدهند
- خود را قوم برگزیده میدانند
- درباره هر موضوعی اظهار نظر می کنند. تواضع فکری ضعیف است.
- داشتن دیکتاتور درون، جزم اندیشی، خود حق پنداری
- بسیار اهل پیش داوری هستند هم مثبت هم منفی. نسنجیده اعتماد می کنند.
- باور به تئوری توطئه
- اهل افراط و تفریط هستند. یک کلاغ چهل کلاغ کردن
- حکومت ستیزی
- دین خوبی که در حال تبدیل شدن به دین ستیزی است
- در گذشته زندگی کردن به فرهنگ خود بیش از آنچه هست می بالند. هنر نزد ایرانیان است و بس
- خرافات نقش پررنگی ایفا می کند

هرگونه کپی برداری از مطالب این وب سایت بدون ذکر منبع پیگرد قانونی دارد.